

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ Scopus

صص ۳۲۹ - ۲۹۹

اهمیت اوکراین و نقش آن در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب

علی موسائی - دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

دکتر عنایت‌الله یزدانی* - استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان و

دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه سان یات سن، جوهای، چین.

دکتر محمدعلی بصیری - دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.71.11.6

چکیده

رقابت، تعارض و رویارویی میان قدرت‌های بزرگ در برخی از مناطق جهان که از لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دارای اهمیت قابل توجهی هستند از ویژگی‌های بارز نظام بین‌الملل به حساب می‌آید. به طوری که معمولاً در وقوع بحران در مناطق و کشورهایی که چنین ویژگی‌هایی دارند، دست و نقش مؤثر قدرت‌های بزرگ را چه در ایجاد، چه در تطویل و چه در مدیریت بحران می‌توان دید. اوکراین نیز یکی از همین کشورها می‌باشد که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود از دیرباز محل تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به‌ویژه بعد از استقلال میان روسیه و غرب بوده است. از این رو، هدف اصلی این مقاله پاسخگویی به این پرسش است که اوکراین چه اهمیتی برای روسیه و غرب دارد که باعث شده است تا همواره پس از استقلال صحنه رقابت و تقابل روسیه و غرب باشد؟ در این مقاله با روشی کیفی و رویکردی توصیفی - تحلیلی، پرسش پژوهش در بستر مفهومی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اهمیت اوکراین در ابعاد مختلف برای دستیابی به اهداف راهبردی متعارض روسیه و غرب و همچنین سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین باعث شده است تا این کشور همواره پس از استقلال، صحنه رقابت و تقابل غرب و روسیه باشد.

واژه‌های کلیدی: اوکراین، روسیه، غرب، واقع‌گرایی تهاجمی.

۱. مقدمه

اوکراین در طول قرن‌ها تحت تأثیر و رقابت روسیه و غرب قرار داشته است. اما این رقابت بین روسیه و غرب (اتحادیه اروپا،^۱ ایالات متحده آمریکا و بازوی اجرایی آن ناتو^۲)، بعد از فروپاشی شوروی و استقلال اوکراین به دلیل ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی،^۳ ژئواکونومیکی^۴ و اقتصادی این کشور و همچنین پیوندها و اشتراکات تاریخی، نژادی، زبانی و مذهبی آن با جامعه روسیه به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. به‌طوری‌که این ویژگی‌ها زمینه‌ساز شکل جدیدی از معادله قدرت بین روسیه و غرب شده است. بدین‌صورت که هرکدام از طرفین تلاش داشته‌اند تا با استفاده از موقعیت و ویژگی‌های منحصر به فرد اوکراین به اهداف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای خود دست یابند. غرب با توجه به آشفتگی‌های بعد از فروپاشی شوروی، کوشید تا از طریق به عضویت درآوردن کشورهای اروپای شرقی در نهادهای غربی، کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای واقع در منطقه خارج نزدیک^۵ را با خود همسو و از نفوذ منطقه‌ای و استفاده روسیه از موقعیت و ویژگی‌های این کشورها در جهت بازیابی قدرت از دست داده جلوگیری کند. در این میان، اوکراین به دلیل همسایگی با روسیه و موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و همچنین تمایل شدیدی که پس از استقلال در جهت حرکت به سمت غرب از خود نشان داد، فرصت مناسبی برای غرب به وجود آورد تا به روند محاصره ژئوپلیتیکی روسیه سرعت بخشد و از این طریق مانع از قدرت‌یابی دوباره روسیه شود. بنابراین این اهداف متعارض و جنگ قدرت باعث شده تا اوکراین همواره پس از استقلال، صحنه رقابت و تقابل غرب و روسیه و شاهد بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی مانند حوادث انقلاب نارنجی ۲۰۰۴، انقلاب آبی ۲۰۰۶ و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ باشد. از این‌رو، در این مقاله سعی می‌گردد ضمن بررسی علل اهمیت منطقه خارج نزدیک و اوکراین برای روسیه و غرب، سیاست‌های

1. European Union

2. NATO

3. Geopolitical

4. Geoeconomic

5. Near Abroad

غرب‌گرایانه اوکراین نیز مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق، نقش این اهمیت و سیاست‌های غرب‌گرایانه در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب در اوکراین تبیین گردد.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله کیفی می‌باشد که با رویکردی توصیفی - تحلیلی تلاش دارد به پرسش اصلی این مقاله در بستر مفهومی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی^۱ پاسخ دهد. در این راستا و در جهت پاسخ به پرسش اصلی، ضمن توصیف و تحلیل علل اهمیت منطقه خارج نزدیک به‌طور عام و علل اهمیت اوکراین برای اهداف متعارض روسیه و غرب به‌طور اخص، سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین نیز مورد تحلیل قرار گرفت و از این طریق، نقش این اهمیت و سیاست‌های غرب‌گرایانه در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب در اوکراین تبیین گردید. برای گردآوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، اسناد و منابع معتبر اینترنتی مراجعه شده است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش‌برداری می‌باشد.

۳. پیشینه پژوهش

در مورد علل اهمیت اوکراین و نقش آن در زمینه رقابت و تقابل میان روسیه و غرب آثار متعددی به نگارش درآمده است. اما با بررسی این آثار به این نکته می‌توان پی برد که در اکثر این آثار علل رقابت و تقابل روسیه و غرب در اوکراین را موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور برای دو طرف معرفی کرده‌اند و به دیگر دلایل اهمیت اوکراین برای روسیه و غرب توجه چندانی نشده است. در ادامه به تعدادی از پژوهش‌هایی که سعی کرده‌اند علل رقابت و تقابل روسیه و غرب در اوکراین را مورد واکاوی قرار دهند پرداخته می‌شود.

اعتصامی، کرمی و رضایی‌وند (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک اوکراین و منافع قدرت‌های بزرگ» عنوان می‌دارند که اوکراین مهم‌ترین کشور اروپای شرقی به لحاظ ژئوپلیتیکی است و ضمن آنکه پل ارتباطی میان اروپا و روسیه محسوب می‌شود، به‌عنوان گلوگاه انرژی اتحادیه اروپا و گلوگاه اقتصاد روسیه نیز از آن یاد می‌شود. اهمیت و موقعیتی که به روسیه و

غرب این توانایی را می‌دهد تا با آوردن اوکراین در جبهه خود به بهترین شکل به اهداف خود دست یابند.

کافمن^۱ و دیگران (۲۰۱۷) در کتابی تحت عنوان «درس‌هایی از عملیات روسیه در کریمه و شرق اوکراین» بعد از بحث و تجزیه و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی در گسترش بحران، به این نکته نیز اشاره می‌کنند که علاوه بر این عوامل، عوامل دیگری چون پیوندهای تاریخی و فرهنگی روسیه با اوکراین و همچنین ۶۰ درصد جمعیت روسی تبار ساکن شبه‌جزیره کریمه که اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، نژادی و زبانی با روسیه دارند نیز در این بحران نقش داشته‌اند و نباید این بحران را صرفاً ژئوپلیتیکی دید.

بایمل^۲ (۲۰۱۶) در رساله‌ای با عنوان «روسیه را درک کنید؛ تحلیلی نظری از انضمام کریمه توسط روسیه» به این نتیجه رسیده است که علل انضمام شبه‌جزیره کریمه توسط روسیه برای جلوگیری از به عضویت درآمدن اوکراین در اتحادیه اروپا و متعاقب آن ناتو بوده است که در صورت وقوع، این کشور در محاصره ژئوپلیتیکی این دو نهاد قرار می‌گرفت. بنابراین، این انضمام با توجه به اهمیت ژئواستراتژیکی^۳ کریمه در جهت ایجاد توازن قدرت^۴ در منطقه و رفع تهدید از مرزهای امنیتی روسیه بوده است.

کرم‌زادی و خوانساری‌فرد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روابط اوکراین و روسیه: ریشه‌یابی زمینه‌های بحران ۲۰۱۴» با بررسی سیاست خارجی اوکراین در قبال روسیه و غرب به این نتیجه رسیده‌اند که اوکراین همواره پس از استقلال با اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه به سمت غرب، چشم خود را بر محدودرات موجود در عرصه سیاست خارجی خود بسته است و بی‌توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و اهمیتش برای روسیه، موجب جدا شدن بخشی از خاک خود و الحاق کریمه به فدراسیون روسیه شد.

1. Kofman

2. Bäuml

3. Geostrategic

4. Balance of Power

بنابراین آنچه مقاله حاضر را متمایز می‌کند این مهم است که ضمن ارائه یک تحلیل جامع از تمام ابعاد اهمیت اوکراین برای روسیه و غرب و نقش این اهمیت در دستیابی به اهداف دو طرف که منجر به رقابت و تقابل میان آن‌ها در اوکراین شده است، همچنین نقش اقدامات غرب‌گرایانه اوکراین در گسترش این تقابل و بحرانی شدن این کشور را نیز مورد بررسی قرار داده است.

۴. چارچوب نظری

واقع‌گرایی^۱ که گاه به صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت از آن یاد می‌شود، یک نظریه فراگیر و کلان روابط بین‌الملل است که درصدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورها می‌باشد و شامل نحله‌های مختلف نظیر واقع‌گرایی تاریخی، کلاسیک،^۲ ساختاری، لیبرال^۳ و نوکلاسیک^۴ می‌شود (Dehghani, Firouzabadi, 2013:27-28). نوکلاسیک‌ها نیز بر اساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر^۵ در کتاب «افسانه‌های امپراتوری: سیاست داخلی و جاه‌طلبی بین‌المللی» به دو نحله واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی^۶ تقسیم می‌شوند (Snyder, 1991:11-12).

مفروض اصلی واقع‌گرایی تهاجمی این است که دولت‌ها اساساً و ذاتاً رقیب هم هستند و دلیل آن در پنج مورد خلاصه می‌شود: ساختار آنارشیک^۷ نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که قدرت‌های بزرگ از آن برخوردارند، عدم اطمینان در مورد نیابت و مقاصد دولت‌ها، تضمین بقا و عقلانی بودن قدرت‌های بزرگ. این پنج عامل زمانی که باهم ترکیب می‌شوند ضمن آنکه انگیزه‌های قوی برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز قدرت‌های بزرگ در قبال یکدیگر را به وجود می‌آورند، به ایجاد سه الگوی رفتاری ترس، خودیاری^۸ و حداکثر رساندن قدرت نیز منتج

1. Realism

2. Classical Realism

3. Liberal Realism (English School of International Relations Theory)

4. Neoclassical Realism

5. Jack Snyder

6. Defensive Realism

7. Anarchic

8. Self-Help

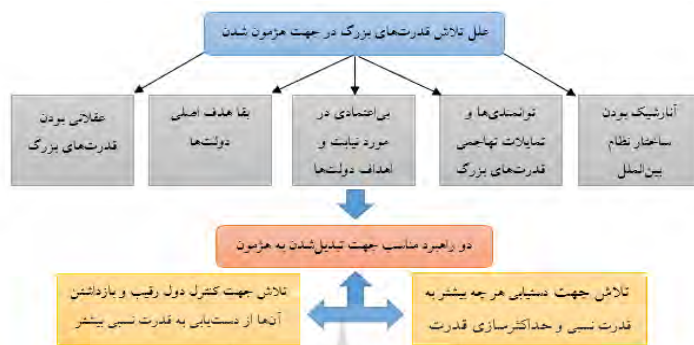
می‌شوند. زیرا در محیطی آنارشیک همواره احتمال جنگ و به خطر افتادن بقا کشورها وجود دارد و لذا هر کشوری برای اینکه بخواهد بقایش تأمین شود باید به فکر حداکثر سازی قدرت به صورت مطلق و تا حد امکان باشد (Mearsheimer, 2015: 33-42). مرشایمر^۱ در همین زمینه عنوان می‌کند که رسیدن به جایگاه هژمونی^۲ هدف نهایی قدرت‌های بزرگ است. قدرت‌های بزرگ همواره تلاش دارند تا با افزایش قدرت خود، تبدیل به هژمون شوند و برای دستیابی به این هدف از دو راهبرد استفاده می‌کنند. اولین راهبرد افزایش هر چه بیشتر قدرت نسبی خود و راهبرد دوم جلوگیری از افزایش قدرت رقبا است و زمانی که تبدیل به هژمون شدند از هژمون شدن قدرت‌های دیگر از دو طریق موازنه سازی و احاله مسئولیت جلوگیری می‌کنند (Mearsheimer, 2015: 151-156). بنابراین سیاست خارجی تهاجمی و پیشینه‌سازی قدرت و امنیت، هسته مرکزی واقع‌گرایی تهاجمی را تشکیل می‌دهد.

بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، سیاست‌ها و اقدامات روسیه و غرب در منطقه خارج نزدیک پس از فروپاشی شوروی قابل تبیین است. زیرا روسیه و غرب با نگرشی امنیت و قدرت محور به این منطقه نگرسته و بر اساس منافع و تهدیدات خویش، سیاست‌ها و اقدامات خود را در این منطقه اتخاذ نموده‌اند که در آن بر اساس قاعده بازی با حاصل جمع صفر سعی دارند به تقویت نفوذ خود و ممانعت از نفوذ دیگری در منطقه در راستای اهداف نهایی خود گام بردارند. هدف نهایی روسیه از نفوذ در منطقه خارج نزدیک، استفاده از موقعیت و ویژگی‌های این منطقه در جهت قدرت‌یابی و بازگشت به عظمت دوران شوروی سابق و هدف اصلی غرب جلوگیری از دستیابی روسیه به این هدف است. اوکراین یکی از جمهوری‌های کلیدی واقع در منطقه خارج نزدیک است که به دلیل ویژگی‌ها و اهمیتی که در جهت دستیابی به اهداف ذکر شده برای دو طرف دارد همواره پس از استقلال، صحنه رقابت و تقابل غرب و روسیه و شاهد بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی مختلف بوده است که در ادامه جهت تبیین نقش اهمیت اوکراین در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب، ضمن بررسی علل اهمیت منطقه خارج نزدیک

1. John Mearsheimer

2. Hegemony

برای روسیه، به علل اهمیت اوکراین برای روسیه و غرب و همچنین سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین پرداخته خواهد شد.



شکل (۱): نمودار مفروضات واقع‌گرایی ته‌اجمی و نقش آن‌ها در مناسبات بین‌المللی

۵. یافته‌های تحقیق

۱-۵. اهمیت منطقه خارج نزدیک برای روسیه

خارج نزدیک به منطقه‌ای گفته می‌شود که چهارده جمهوری تازه تأسیس عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق در آن حضور دارند که شامل چهار منطقه قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی، بالتیک^۱ و غرب روسیه می‌شود. این مناطق در ادبیات سیاسی روسیه، اعم از اسناد رسمی، بیانات رهبران و رسانه‌ها با عناوینی مانند «خارج نزدیک» و «حوزه منافع ویژه و حیاتی» یاد می‌شود (Herd, 2005:223).



شکل (۲): پانزده جمهوری اتحاد جماهیر شوروی سابق

(Source: Islam Times, 2017)

1. Baltic

از دلایل اهمیت منطقه خارج نزدیک برای روسیه علاوه بر وجود اقلیت‌های روس‌تبار در این منطقه، می‌توان به دلایل ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و امنیتی اشاره کرد. وجود اقلیت‌های روسی در خارج نزدیک که بالغ بر ۳۰ میلیون نفر برآورد شده‌اند، ابزار بسیار مؤثری برای روسیه جهت اعمال نفوذ سیاسی و رخنه فرهنگی در جمهوری‌های واقع در منطقه خارج نزدیک به شمار می‌روند و در اسناد رسمی روسیه نیز دفاع از آنان الزامی و هرگونه از بین بردن حقوق و آزادی‌های قانونی اتباع روس در سایر کشورها به‌عنوان یکی از منابع اصلی تهدید علیه روسیه قلمداد شده است (Etesami and et al, 2018: 72-73). روسیه از روس‌زبان‌های خارج نزدیک به چند طریق بهره می‌برد. اول اینکه روسیه با حیاتی تلقی کردن حفاظت از جان مردمان روس‌تبار خارج نزدیک، استفاده از هر ابزاری را برای دستیابی به اهداف راهبردی خود مجاز می‌داند. این مسئله مؤلفه‌ای شده است که روسیه در کشورهای همسایه به دخالت‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی بپردازد. در این مورد می‌توان به استفاده ابزاری روسیه از جمعیت روس‌تبار گرجستان و اوکراین در جنگ اوستیای جنوبی ۲۰۰۸ و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین اشاره کرد. دوم اینکه روس‌های خارج نزدیک به‌ویژه در کشورهای هم‌چون اوکراین یا قزاقستان که تعداد آن‌ها زیاد است، همواره یکی از عوامل روی کار آمدن دولت‌های روس‌گرا و همسو با روسیه بوده‌اند (Simbar and Rezapour, 2019: 80-81).

از لحاظ ژئواکونومیکی، هدف اصلی روسیه کنترل جریان انرژی در منطقه می‌باشد. در راستای همین هدف، روسیه سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در حوزه انرژی در کشورهای منطقه کرده است و شرکت‌های مهم انرژی در کشورهای ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، تاجیکستان و اوکراین را خریداری کرده است. همچنین با احداث خطوط لوله مستقیم برای انتقال منابع انرژی از این کشورها به خارج، بدون عبور از خاک روسیه مخالفت کرده است (Fazeli and et al, 2016: 37). روسیه همواره سعی کرده تا از طریق اهرم انرژی ضمن کسب مزایای هنگفت اقتصادی، از این اهرم به‌عنوان یک سلاح بسیار نیرومند برای اهداف سیاسی و امنیتی خود با توجه به اینکه کشورهای اروپای شرقی و مرکزی سالانه حدود ۴۶ میلیارد مترمکعب گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کنند، استفاده نماید (Gazprom Export ,)

2019:1). برای نمونه، می‌توان به افزایش قیمت یا قطع گاز وارداتی اوکراین از روسیه در سال‌های ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ برای دستیابی به اهداف سیاسی و امنیتی اشاره کرد. همچنین با توجه به وابستگی کشورهای غربی به انرژی روسیه و عبور اکثریت خطوط لوله انتقال انرژی از داخل برخی از کشورهای خارج نزدیک نظیر خط لوله دروژبا،^۱ خط لوله باکو-نوروسیسک^۲ و کنسرسیوم خط لوله خزر^۳ (Makarychev, 2018: 142-143). ضمن بالا بردن اهمیت این کشورها نزد روسیه، روسیه از این اهرم همواره در برابر کشورهای غربی برای دستیابی به اهداف سیاسی و امنیتی استفاده کرده است. برای نمونه، در بحران ۲۰۱۴ اوکراین، شرکت گاز پروس^۴ با کاهش عرضه گاز بر روی برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، باعث عدم اجماع بین کشورهای اتحادیه اروپا در نحوه برخورد با اقدامات روسیه در اوکراین شد؛ زیرا هرکدام از کشورها بسته به میزان وابستگی خود به گاز روسیه جهت‌گیری کردند (Etesami and et al, 2018: 72). اهمیت کنترل جریان انرژی به قدری است که از نظر روسیه، پیگیری هدف راهبردی بازگشت به عظمت و نفوذ دوره شوروی از طریق کنترل جریان انرژی به دست خواهد آمد و یکی از دلایل مخالفت با احداث خطوط لوله مستقیم برای انتقال منابع انرژی از این کشورها به خارج، بدون عبور از خاک روسیه و همچنین گسترش کشورهای و نهادهای غربی به سمت مرزهای منطقه خارج نزدیک و عضویت کشورهای این منطقه در نهادهای غربی نیز همین مسئله است (Zargar and Sayad, 2016: 180). زیرا با تسلط غرب بر این منطقه، ضمن آنکه منبع اصلی درآمد روسیه و تسلط این کشور بر کنترل جریان انرژی به خطر خواهد افتاد، تنها ابزار فشار روسیه بر غرب نیز که همان انرژی می‌باشد در اختیار رقبای روسیه قرار می‌گیرد و این موضوع باعث تضعیف روسیه و این کشور را از دستیابی به هدف راهبردی خود باز می‌دارد.

بعد از فروپاشی شوروی با نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب در کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی، روسیه متوجه قابلیت منطقه خارج نزدیک در ارتقای منزلت ژئوپلیتیک خود

-
1. Druzhba Pipeline
 2. Baku–Novorossiysk Pipeline
 3. Caspian Pipeline Consortium
 4. Gazprom Company

در عرصه جهانی و همچنین به خطر انداختن امنیت روسیه از طریق هم‌مرز کردن این کشور با نهادهای غربی شد. به همین دلیل ضمن اینکه این منطقه را حوزه منافع ویژه و حیاتی خود معرفی کرد، اعلام نمود که اجازه دخالت دولت‌های فرا منطقه‌ای را در این منطقه نخواهد داد و به نوعی دکترین مونروئه روسی^۱ را در این منطقه اعمال نمود (Levchuk, 2013: 42-50). از این زمان به بعد، سیاست نزدیکی به غرب به‌ویژه آمریکا جای خود را به سیاست بها دادن به مرزهای نزدیک داد. راه‌حل روسیه برای تفوق بر این منطقه راهبردی، خلق شبکه‌ای از روابط است که منجر به محدود کردن کشورهای تازه استقلال‌یافته در زیرمجموعه رابطه ارگانیک^۲ قبلی آن‌ها در شوروی سابق و حفظ تفوق ژئوپلیتیک روسیه در چارچوب روابط اقتصادی و نظامی - امنیتی شده است. ابزار منتخب روسیه برای رسیدن به این هدف در سال‌های ابتدایی بعد از فروپاشی شوروی، تشکیل اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (همسود)^۳ و در مراحل بعدی تأسیس سازمان‌های پیمان امنیت دسته‌جمعی^۴، مجمع (اتحادیه) اقتصادی اوراسیا^۵ و همکاری شانگهای^۶ بوده است (Lashgari, 2011: 117). از دیگر اقدامات عملی روسیه برای حفظ تفوق و نفوذ در این منطقه راهبردی، اصرار کرملین بر حضور نظامی در این منطقه می‌باشد. در راستای همین سیاست، مسکو توانست با کمک ابزارهای مختلف، نقش پاسدار صلح را در منطقه برای خود قائل شود و از مکانیسم‌هایی چون اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، پیمان امنیت دسته‌جمعی، شورای وزیران دفاع و نیروهای مرزبانی مشترک برای مداخله در منطقه استفاده کند و همچنین ۲۵ پایگاه نظامی در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تأسیس نماید (Fazeli and et al, 2016: 36).

بنابراین همان‌طور که بیان شد، موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی این منطقه در حفظ و گسترش قدرت روسیه از اهمیت حیاتی برخوردار است. اما آن موردی که از این ناحیه

-
1. The Russian Monroe Doctrine
 2. Organic
 3. The Commonwealth of Independent States
 4. Collective Security Treaty Organization
 5. Eurasian Economic Community
 6. Shanghai Cooperation Organization

روسیه را تهدید می‌کند؛ عضویت کشورهای اروپای شرقی و مرکزی در نهادهای غربی، خصوصاً غرب‌گرایی و روسیه‌گریزی برخی از جمهوری‌های واقع در منطقه خارج نزدیک است. تاکنون ۱۴ کشور از اروپای شرقی و مرکزی در چهار موج گسترش غرب به سمت شرق به عضویت نهادهای غربی درآمده‌اند، اکنون برنامه گسترش ناتو و اتحادیه اروپا در موج پنجم قرار دارد و کشورهایایی چون گرجستان، آذربایجان و اوکراین مدنظر هستند (Ebrahimi and Babri, 2017:3) که با واکنش شدید روسیه روبرو شده است؛ زیرا با عضویت این کشورها به‌ویژه گرجستان و اوکراین علاوه بر تهدیدات و خسارات هنگفت سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی به روسیه، با از دست دادن موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه، هدف اصلی این کشور در بازیابی موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ نیز از دست‌رفته تلقی خواهد شد. بنابراین روسیه برای جلوگیری از این خسارات هنگفت، نهایت سعی خود را کرده است تا به هر طریقی از ادامه گسترش نهادهای غربی به سمت مرزهای امنیتی خود جلوگیری نماید که نمونه آن در جنگ ۲۰۰۸ گرجستان و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین مشاهده شد.

۲-۵. اهمیت اوکراین برای روسیه

اهمیت اوکراین برای روسیه را باید در علل هویتی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ژئواکونومیکی دید. اوکراین همواره منطقه‌ای استراتژیک^۱ و مهم برای روسیه محسوب می‌شده است. این کشور به‌واسطه اشتراکات تاریخی، نژادی، زبانی و مذهبی با روسیه، بخشی از هویت و فرهنگ روسی بوده است. از نظر تاریخی، اوکراین برای قرون متمادی جزئی از خاک روسیه بوده و تاریخ روسیه با دولت شهری که روس‌کی‌یف^۲ نامیده می‌شد شروع شده است. به‌گونه‌ای که روس‌ها به کی‌یف به‌مثابه خاستگاه تاریخی خود که اولین دولت روس در آن شکل‌گرفته می‌نگرند. بعضی از مهم‌ترین نبردهای روس‌ها نیز بر سر خاک اوکراین بوده است (Kissinger, 2014:1). از لحاظ نژادی نیز مردم روسیه و اوکراین هر دو از نژاد اسلاو^۳ هستند. روس‌ها کسانی را که در

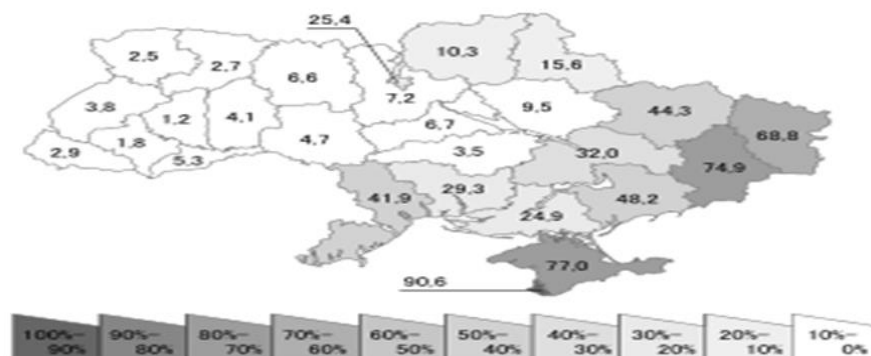
1.Strategic
2.Kievan Rus
3.Slavic Race

رگ‌هایشان خون اسلاو جریان دارد را همچون یک ملت واحد و متحد با خود می‌بینند (Vosoughi and Kheiri, 2016: 149).

ازلحاظ مذهبی، کی‌یف خاستگاه و محل بنیان کلیسای ارتدکس^۱ روسیه محسوب می‌شود. با پذیرش مسیحیت از سوی ولادیمیر کبیر^۲ فرمانروای بزرگ روس‌کی‌یف در سال ۹۸۸ میلادی، روس‌کی‌یف به آیین مسیحیت گروید و به دنبال تکفیر متقابل پاپ رم^۳ و پاتریاک^۴ قسطنطنیه در سال ۱۰۵۴ میلادی و به وجود آمدن مذهب ارتدکس، وی نیز به این مذهب گروید و فرایند ارتدکس‌سازی مردم روس‌کی‌یف را آغاز نمود (Korpela, 2001: 9-10). از آن زمان مذهب نقش مهمی در هویت روسی بازی کرده است. برای نمونه، مذهب ارتدکس نقش مهمی در جهت وحدت و مقاومت مردم در برابر حمله مغول بر عهده داشت.

ازلحاظ قومی نیز روس‌ها با ۲۲ درصد از جمعیت این کشور، دومین گروه قومی اوکراین محسوب می‌شوند. همچنین زبان روسی بیشترین رواج را پس از زبان اوکراینی در این کشور دارد. به طوری که نزدیک به ۳۰ درصد از مردم اوکراین به این زبان تکلم می‌کنند. الفبای اوکراینی نیز مانند الفبای روسی، سیریلیک^۵ می‌باشد و از نظر واژگان حدود ۶۲ درصد با واژگان روسی مشترک است (Mousaei and Yazdani, 2021: 163). بنابراین این اشتراکات باعث شده تا اوکراین نزد روسیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. به طوری که از نظر روس‌ها هرگونه از دست دادن این کشور و جمعیت اسلاو آن، یک ضربه مرگبار به هسته روایت تاریخی و هویت ملی روسیه خواهد زد و همین عامل یکی از دلایلی بوده است که روسیه همواره سعی کرده است تا اوکراین را در جبهه خودش نگه دارد.

-
1. Orthodox Church
 2. Prince Vladimir (Vladimir the Great)
 3. Pope Leo IX
 4. Patriarch
 5. Cyrillic



شکل (۳): درصد روس‌زبانان در پهنه کشور اوکراین

(Source: The Conversation, 2022)

از لحاظ ژئوپلیتیکی، اوکراین به دلایلی نظیر موقعیت ویژه آن در مسیر اتصال روسیه به اروپای غربی، قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا، موقعیت سوق‌الجیشی این کشور در مشرف بودن به دریای سیاه^۱ و نیز در اختیار داشتن سواحل با ارزش شبه‌جزیره راهبردی کریمه از اهمیت زیادی برای روسیه برخوردار است. به طوری که هرگونه از دست دادن این کشور و جمعیت اسلاو آن، گزینه‌های جغرافیایی روسیه را بسیار محدود و تلاش‌های مسکو را برای بازسازی امپراتوری اوراسیایی و تحقق رؤیای بنای دوباره روسیه‌ای بزرگ‌تر و بازگشت به عظمت شوروی سابق را تقریباً غیرممکن می‌سازد (Etessami and et al, 2018: 29). زیرا اوکراین به‌عنوان سنگ‌رگ روسیه در برابر غرب و همچنین دیوار دفاعی غربی روسیه در مقابل اروپا عمل کرده و بر لبه رقابت‌های ژئوپلیتیک روسیه و غرب قرار گرفته است و مرز اتحادیه اروپا با روسیه محسوب می‌شود. در واقع موقعیت ژئوپلیتیکی اوکراین به غرب این امکان را می‌دهد تا به راحتی روسیه را محاصره نماید (Azami and et al, 2019: 27). هدفی که غرب مدت‌هاست به دنبال آن است و همواره از زمان فروپاشی شوروی سعی کرده تا از طریق جذب کشورهای اروپای شرقی در نهادهایی نظیر ناتو و اتحادیه اروپا به محاصره ژئوپلیتیکی روسیه دست یابد تا با محدود کردن قلمروهای ژئوپلیتیکی این کشور مانع بازیابی قدرت روسیه شود.

اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی دیگر اوکراین برای روسیه به اهمیت شبه‌جزیره کریمه برمی‌گردد. علت این اهمیت به محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه برمی‌گردد. این کشور بر اساس موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی خود دچار یک جبر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برای پیگیری اهداف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای خود می‌باشد. بنابراین چاره‌ای جز دسترسی تضمین شده به آب‌های دریای سیاه به‌عنوان دروازه ورود به دریای مدیترانه^۱ در راستای پیگیری اهدافش ندارد. این دسترسی نیز فقط از طریق تنگه کرچ^۲ واقع در شبه‌جزیره کریمه که دریای آزوف^۳ را به دریای سیاه متصل می‌کند فراهم خواهد شد. روسیه از طریق کریمه می‌تواند با دسترسی مستقیم به دریای سیاه و دریای مدیترانه از طریق تنگه‌های کرچ، بسفر^۴ و داردانل^۵ (Irkhin and Moskalenko, 2020: 112-113). برتری دریایی و هوایی خودش را در اروپا و دریای سیاه تثبیت کند و از این طریق ضمن تبدیل شدن به یک قدرت دریایی، به مقابله مؤثرتر با اقدامات ناتو در منطقه اروپای شرقی پردازد و حتی بر مناطق همجوار دریای سیاه و مدیترانه نظیر بالکان، شمال آفریقا و خاورمیانه اثرگذارتر باشد. همچنین بر اساس قراردادی میان روسیه و اوکراین، ۷۰ درصد ناوگان دریایی روسیه در این جزیره استقرار دارند (Richter, 2014: 4-6). اهمیت این پایگاه به این دلیل است که ضمن آنکه امکان دسترسی سریع به مناطق همجوار دریای سیاه و مدیترانه را برای کشتی‌های روسی فراهم می‌کند، همچنین یکی از مهم‌ترین ابزارهای توازن ساز روسیه در برابر ناتو در حوزه دریای سیاه است (Torabi and Kiani, 2014: 13). در مجموع شبه‌جزیره کریمه به واسطه موقعیت ژئواستراتژیکی خود از اهمیت ویژه‌ای در استراتژی دریایی روسیه برخوردار است و یکی از مهم‌ترین دلایلی که روسیه اقدام به انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک خود کرد نیز همین اهمیت ژئواستراتژیکی آن بوده است. زیرا در صورت عضویت اوکراین در اتحادیه

-
1. Mediterranean Sea
 2. Kerch Strait
 3. Sea of Azov
 4. Bosphorus Strait
 5. Dardanelles Strait

اروپا و از دست دادن این شبه جزیره، ضمن تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه، ضربه‌ای مهلک به استراتژی دریایی و در کل توان نظامی روسیه نیز وارد می‌شد.



شکل (۴): موقعیت راهبردی کریمه، دریای سیاه، دریای آزوف و تنگه‌های کرچ، بسفر و داردانل

(Source: Steemit,2017)

از منظر اقتصادی نیز اوکراین برای روسیه اهمیت غیرقابل انکاری دارد. اوکراین از نظر منابع طبیعی بسیار غنی است. منابعی که برای صنایع تولیدی روسیه دارای اهمیت بسیار زیادی هستند. همچنین اوکراین با ۶۰۳.۷۰۰ کیلومترمربع وسعت دارای زمین‌های حاصلخیزی است که برای رفع نیازهای روسیه در زمینه محصولات کشاورزی بسیار با ارزش تلقی می‌شود (Mofteh, 2022:7). بازار اوکراین دیگر ملاک تأثیرگذار بر توجه ویژه روسیه به اوکراین است. روسیه دومین شریک تجاری اوکراین است؛ زیرا اولاً حدود ۷۵ درصد فراورده‌های نفتی (نفت، بنزین و گازوئیل) و ۳۳ درصد گاز وارداتی اوکراین از روسیه تأمین می‌شود (Mikulska and Kosinski:2020:2). دوماً؛ حجم مبادلات تجاری بین روسیه و اوکراین حدود ده میلیارد دلار می‌باشد (UN.Comtrade,2020:1). سوماً؛ روسیه بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در اوکراین محسوب می‌شود؛ سرمایه‌گذاری‌های روسیه در صنایعی چون پالایشگاه‌های نفتی، ارتباطات و تولید آلومینیوم بسیار گسترده است (State Statistics Service of Ukraine,2018:1). و چهارماً؛ وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در اوکراین و شبه جزیره کریمه از جمله دلایل اقتصادی دیگری است که بر اهمیت این دو می‌افزاید. بر اساس آمارهای داده شده، اوکراین حدود ۱/۰۹ تریلیون

مترمکعب ذخایر گازی و ۳۹۵ میلیون تن ذخایر نفتی دارد (Amelin and et al,2020:1-2). و شبه‌جزیره کریمه نیز دارای ۱۶۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب ذخایر گازی، ۴۷ میلیون تن ذخایر نفتی و ۱۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تن میعانات گازی می‌باشد (Keypour and Hendla,2019:155). از طرف دیگر، روسیه به شدت به صنعت هوافضای اوکراین وابسته است؛ زیرا بسیاری از تجهیزات نظامی روسیه از جمله راکت‌ها^۱، موشک‌های بالستیک^۲، موتور هلیکوپترها^۳ و هواپیماهای آنتونوف^۴ که روسیه به آن‌ها نیاز دارد در اوکراین تولید می‌شود. همچنین روسیه برای پرتاب موشک به ایستگاه فضایی، وابسته به ایستگاه‌های پرتاب اوکراین است که در زمان اتحاد شوروی طراحی و ساخته شده‌اند (Recknagel,2014:1-2).

از لحاظ ژئواکونومیکی نیز برخورداری از ۲۷۸۲ کیلومترمربع مرز آبی در کنار دریای سیاه به اوکراین مزیت مرکز حمل‌ونقل خطوط انتقال انرژی از جنوب به شمال و از شرق به غرب را داده است. در واقع این کشور شاه‌راه انتقال انرژی از روسیه به اروپا محسوب می‌شود؛ زیرا از طریق خطوط لوله آن، حدود ۸۰ درصد گاز و همچنین ۷۵ درصد نفت وارداتی کشورهای اروپایی از روسیه به بازارهای اروپا انتقال می‌یابد (Graaf and Colgan,2017:61). همچنین ۳۵ درصد از کالاها و مصنوعات ساخت روسیه نیز از طریق خاک اوکراین ترانزیت^۵ می‌شوند (Ministry of Infrastructure of Ukraine,2019:3). بنابراین با توجه به دلایل ذکر شده، گسترش روابط و حفظ اوکراین برای دستیابی به هدف کلان و راهبردی روسیه که همان بازیابی قدرت از دست داده می‌باشد از اهمیت حیاتی برخوردار است. زیرا این کشور این قابلیت را دارد که با هم‌پیمانی با غرب، تهدیدات و خسارات هنگفتی نظیر محاصره و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه از طریق هم‌مرز کردن نهادهای غربی با روسیه، از دست دادن کریمه و در نتیجه قطع دسترسی این کشور به آب‌های آزاد و ضربه به توان نظامی روسیه، ضربه به هویت ملی این

-
- 1.Rockets
 - 2.Ballistic Missiles
 - 3.Helicopter Engine
 - 4.Antonov Aircraft
 - 5.Transit

کشور، ضربه اقتصادی گسترده و به خطر انداختن اهرم انرژی روسیه در برابر غرب با توجه به ذخایر نفت و گاز موجود در این کشور و شبه جزیره کریمه و همچنین عبور یک سوم خطوط انتقال انرژی روسیه از خاک اوکراین را متوجه روسیه کند و در نتیجه مانع از دستیابی این کشور به هدف راهبردی خود شود. لذا مسکو با درک اهمیت اوکراین کوشیده است ضمن آنکه از قابلیت‌های این کشور در راستای هدف راهبردی خود استفاده نماید، همچنین به هر طریقی از هرگونه حرکت این کشور به سوی غرب ممانعت نماید. جدیتی که در انقلاب آبی ۲۰۰۶ و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین در جهت جلوگیری از عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا و ناتو از طریق بی‌ثبات نمودن اوکراین، ضمیمه کردن شبه جزیره کریمه به فدراسیون روسیه، به رسمیت شناختن استقلال دو جمهوری دونتسک^۱ و لوهانسک^۲، حمله نظامی به این کشور و انضمام چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون^۳ و زاپوریژیا^۴ به خاک خود نمود پیدا کرد.

۳-۵. اهمیت اوکراین برای غرب

اهمیت اوکراین برای ایالات متحده آمریکا را می‌توان در چارچوب تمایلات ژئوپلیتیک آن در راستای گسترش هژمونی خود در سطح بین‌الملل ارزیابی کرد. بر اساس گزاره‌های رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی، هدف نهایی قدرت‌های بزرگ دستیابی به جایگاه هژمون است و زمانی که به این جایگاه دست یافتند، تمام سعی خود را می‌کنند تا از هژمون شدن قدرت‌های دیگر جلوگیری کنند. بر همین اساس، آمریکا به عنوان هژمون فعلی نظام بین‌الملل، از زمان فروپاشی شوروی همواره نگران قدرت‌گیری دوباره روسیه بوده است و به خوبی به این مهم واقف است که مناطق پیرامونی روسیه ظرفیت لازم را برای تأمین هزینه‌های قدرت‌یابی مجدد روسیه را دارند. بر همین اساس، برای جلوگیری از وقوع این امر و همچنین تثبیت هژمونی خود بر جهان، بیشترین انگیزه و تلاش را برای حضور در مناطق پیرامونی روسیه از خود نشان داده است. در واقع هدف بلندمدت آمریکا در قبال روسیه این است که با ورود به حیطه خلوت روسیه از

1. Donetsk
2. Luhansk
3. Kherson
4. Zaporizhzhia

راه به عضویت درآوردن جمهوری‌های اروپای شرقی و مرکزی در ناتو، ضمن کاهش نفوذ روسیه در این جمهوری‌ها، از شکل‌گیری پیمان‌ها و اتحادهای نظامی بین این جمهوری‌ها و روسیه نیز جلوگیری کند (Dorj and Tabatabai, 2019:9). از نگاه سیاستمداران آمریکایی، بهترین کشوری که در صورت جذب قابلیت جلوگیری از بازیابی قدرت روسیه را دارد اوکراین است (Brzezinski, 1997:46). زیرا همان‌طور که در بخش قبلی بیان شد، اوکراین به دلایل مختلف هویتی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ژئواکونومیکی برای روسیه دارای اهمیت فراوان است و هرگونه از دست دادن این کشور تا حد زیادی اهداف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای روسیه را با شکست روبرو خواهد کرد. بنابراین چنانچه آمریکا بتواند اوکراین را در مدار خود قرار دهد، ضمن تضعیف روسیه از طریق خارج کردن اهرم‌های قدرت به‌ویژه اهرم انرژی از دست روسیه، با روسیه هم‌مرز نیز می‌شود که هدف محاصره ژئوپلیتیکی و مهار روسیه را کامل می‌کند و به تثبیت هژمونی این کشور بر جهان از طریق جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه کمک فراوانی خواهد کرد.

اوکراین برای کنشگر دیگر غرب یعنی اتحادیه اروپا نیز از اهمیت ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ژئواکونومیکی برخوردار است. این کشور از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی محل تقاطع اروپای شرقی، اروپای مرکزی و اوراسیا محسوب می‌شود و با چهار کشور عضو اتحادیه یعنی لهستان، اسلوانی، مجارستان و رومانی هم‌مرز است که هر چهار کشور عضو ناتو نیز هستند.

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اتحادیه اروپا به عضویت درآوردن جمهوری‌های شوروی سابق در این اتحادیه در جهت کاهش و جلوگیری از نفوذ و استفاده روسیه از این جمهوری‌ها در راستای قدرت‌یابی مجدد این کشور است. از نظر این اتحادیه برای موفقیت این سیاست، جذب جمهوری‌های کلیدی نظیر اوکراین، بلاروس و گرجستان ضروری است. بنابراین برای این منظور برنامه ابتکار شرقی اتحادیه اروپا را باهدف افزایش پیوند سیاسی و همگرایی بیشتر اقتصادی میان اتحادیه اروپا و شش کشور همسایه شرقی این اتحادیه بلاروس، اوکراین، آذربایجان، ارمنستان، مولداوی و گرجستان) مطرح کرد (Eastern Partnership Declaration, 2009:5-7).

برنامه‌ای که باعث افزایش رقابت میان روسیه و اتحادیه اروپا در جهت کنترل این منطقه شده است و در صورت موفقیت، امنیت و منافع روسیه را با تهدید جدی روبرو خواهد کرد؛ زیرا

هدف اصلی این برنامه نزدیک کردن این کشورها به غرب و همگرایی با جوامع یورو - آتلانتیکی^۱ در تعاملات و تبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

از جمله دلایل دیگر اهمیت اوکراین برای اتحادیه اروپا می‌توان به هم‌مرز کردن اتحادیه اروپا با روسیه و ایجاد مانع در راه توسعه نفوذ روسیه در منطقه اشاره کرد. همچنین با توجه به همجواری اوکراین با دریای سیاه، این کشور می‌تواند حضور این اتحادیه در حوزه دریای سیاه که یکی از گلوگاه‌های اقتصادی اروپا است را پررنگ‌تر کند (Etesami and et al, 2018:40). در واقع اوکراین این قابلیت را دارد که به اصطلاح به دریای سیاه همانند دریای مدیترانه، هویت اروپایی بدهد.

از لحاظ ژئواکونومیکی نیز اوکراین برای اتحادیه اروپا مهم تلقی می‌شود؛ زیرا ۲۵ کشور اروپایی واردکننده انرژی روسیه هستند و یک‌سوم خطوط لوله انتقال انرژی روسیه به این کشورها از خاک اوکراین می‌گذرند. بنابراین اوکراین در حقیقت گلوگاه انرژی اروپا محسوب می‌شود؛ زیرا این کشور محل ترانزیت ۸۰ درصد گاز طبیعی و ۷۵ درصد نفت خام وارداتی اروپا از روسیه است (Graaf and Colgan, 2017:61). علاوه بر این، اوکراین دارای منابع طبیعی گاز و نفت نیز است که در تدارک توسعه آن می‌باشد و تاکنون با چندین شرکت آمریکایی و اروپایی در همین زمینه به تفاهم‌نامه‌هایی نیز دست‌یافته است که در صورت اجرایی شدن می‌تواند تأثیرگذاری این اتحادیه بر اقتصاد و بخش انرژی روسیه را افزایش دهد (Borhani and et al, 2016:150). و اتحادیه اروپا را به برخی از اهداف راهبردی خود در این منطقه که شامل کاهش وابستگی این اتحادیه به انرژی روسیه و فراهم شدن مسیرهای جایگزین انرژی صادراتی به اروپا از سایر کشورهای حوزه دریای سیاه برساند. از لحاظ اقتصادی نیز اوکراین برای اتحادیه اروپا از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا اولاً همان‌طور که ذکر شد این کشور سرشار از منابع طبیعی است که برای اقتصاد اتحادیه اروپا اهمیت فراوانی دارد. دوماً؛ اتحادیه اروپا با حجم مبادلات تجاری حدود ۴۰ میلیارد یورویی با اوکراین، بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور محسوب می‌شود (European Commission, 2020:1). سوماً؛ اوکراین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان

برق در اروپا، برق عمده چهار کشور عضو اتحادیه اروپا مجارستان، اسلواکی، لهستان و رومانی) را تأمین می‌کند (Koval and et al, 2019: 1-3). و چهارم؛ اتحادیه اروپا با مشکلات اقتصادی بسیار جدی در کشورهای کوچک‌تر و اقتصادهای ضعیف‌تر خود روبه‌رو است که باعث شده تا برای رفع این مشکلات به دنبال بازاری برای صادرات کالاهای خود باشد. در این میان اوکراین با توجه به جمعیت ۴۴ میلیون نفری خود، می‌تواند بازار بزرگی برای کالاهای تولیدی اتحادیه اروپا به حساب آید (The European Union, 2018: 1-7).

بنابراین با توجه به این دلایل، قابل‌درک است که چرا اوکراین تا این اندازه برای غرب مهم است. در صورتی که اوکراین به حوزه نفوذ غرب مبدل شود و از مدار روسیه خارج شود، ضمن فواید گسترده اقتصادی، مهم‌ترین هدف غرب که همان محصور و محدود کردن مسکو در مرزهای خود و جلوگیری از بازبایی و قدرت گرفتن روسیه است تا حدود زیادی محقق خواهد شد. بنابراین روسیه با توجه به اهمیت نقش اوکراین در این زمینه، نهایت تلاش خود را کرده است تا از این اتفاق جلوگیری کند. در واقع اهمیت اوکراین برای روسیه و غرب باعث رقابت‌های راهبردی بین دو طرف در سطح کلان و وقوع بحران‌های مختلف در این کشور شده است. بحران‌هایی که پیامدهای سنگینی برای اوکراین به همراه داشته است.

۴-۵. سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین

اوکراین پس از استقلال همواره سیاست‌هایی را در قبال غرب پیگیری کرده که برای روسیه حساسیت‌برانگیز بوده است. روابط ناتو و اوکراین از زمان استقلال این کشور بدون توجه به دغدغه‌های امنیتی روسیه به‌طور روزافزونی گسترش یافته و حساسیت‌های زیادی را در روسیه برانگیخته است. اوکراین بعد از استقلال در ۱۹۹۱ همکاری خود با ناتو را آغاز کرد و در سال ۱۹۹۴ نخستین کشور از میان اعضای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود که به برنامه مشارکت برای صلح^۱ پیوست. در سال ۱۹۹۷ منشور مشارکت ویژه بین اوکراین و ناتو امضا شد که بر اساس آن کمیسیون ناتو - اوکراین تأسیس و دفتر دائمی مرکز اطلاعات و اسناد ناتو در کی‌یف گشوده شد و در سال ۲۰۰۲ نیز اوکراین برنامه اقدام اوکراین - ناتو را با این سازمان

به امضا رساند. این روند با روی کار آمدن دولتی غرب‌گرا در اوکراین در سال ۲۰۰۴ سرعت بیشتری گرفت؛ به طوری که این کشور به عنوان یکی از شرکا، ضمن آنکه به طور فعال به عملیات ناتو کمک می‌کرد، درخواست پیوستن به این نهاد را نیز در سال ۲۰۰۸ داد (Goodarzi and Derakhshandeh Lazarjani, 2016:68).

این درخواست در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۰۸ در بخارست مورد بررسی قرار گرفت و در بیانیه پایانی این اجلاس، درخواست اوکراین را تأیید کرده و اعلام کردند، این کشور سرانجام عضو ناتو خواهد شد. این بیانیه با تهدید روسیه و اقدام به اعمال فشار از طریق قطع جریان گاز به اوکراین روبرو شد. به طوری که این کشور تحت فشار روسیه در سال ۲۰۱۰ معاهده‌ای را به تصویب رساند که طبق مفاد آن، اوکراین از پیوستن به هرگونه پیمان نظامی منع شده بود، تا در نهایت در تاریخ بیست و سوم دسامبر ۲۰۱۴ پس از شروع بحران و انضمام شبه جزیره کریمه به فدراسیون روسیه، پارلمان^۱ اوکراین در جواب اقدامات روسیه ابتدا به خروج این کشور از حالت بی طرفی رأی مثبت داد (Borhani and et al, 2016:156-157). و سپس در سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را به تصویب رساند که در آن عضویت در ناتو به یکی از اهداف قانونی اوکراین تبدیل شد و در قانون اساسی این کشور نیز بر آن تأکید شد. در سال ۲۰۲۰ نیز اوکراین از جانب ناتو به عنوان «شریک فرصت‌های پیشرفته» شناخته شد. وضعیتی که به معنای اشتراک اطلاعات و دسترسی بیشتر کی‌یف به برنامه‌ها و رزمایش‌های ناتو بود (Euro News, 2022:1). و این کشور را یک گام دیگر به عضویت در ناتو نزدیک کرده بود. اقداماتی که به هیچ عنوان برای روسیه قابل تحمل نبود و باعث شد تا روسیه در جهت جلوگیری از این اتفاق، ابتدا استقلال دو جمهوری دونتسک و لوہانسک از اوکراین را به رسمیت شناخت، سپس در تاریخ بیست و چهارم فوریه ۲۰۲۲ به این کشور حمله نظامی کرد و در ادامه با برگزاری یک همه‌پرسی در تاریخ ۲۳ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲ چهار منطقه دونتسک، لوہانسک، خرسون و زاپوریژیا را به خاک خود ضمیمه کرد.

از دیگر اقدامات غرب‌گرایانه اوکراین می‌توان به انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ اشاره کرد. در پی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در بیست و سوم نوامبر ۲۰۰۴ و اعلام پیروزی یانوکویچ،^۱ نامزد مورد حمایت روسیه، یوشچنکو^۲ کاندیدای رقیب به همراه ناظران بین‌المللی به دلیل رخ دادن تخلفات گسترده، به نتیجه انتخابات اعتراض کردند و خواهان ابطال نتیجه انتخابات شدند. به دنبال این درخواست، ۲۰۰ هزار نفر از مردم اوکراین به حمایت از یوشچنکو به خیابان‌ها آمده و با شعار علیه یانوکویچ و روسیه دست به تحصن زدند. در مقابل جمعیت کثیری از طرفداران یانوکویچ نیز در حمایت از نتیجه انتخابات به خیابان‌ها ریخته و تهدید کردند که در صورت ابطال انتخابات، دست به تجزیه کشور خواهند زد. با بحرانی شدن وضعیت داخلی این کشور، زمینه برای دخالت بازیگران بین‌المللی فراهم شد. به طوری که خاویر سولانا^۳ کمیسر وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا و حتی دبیر کل وقت ناتو خواستار بازنگری نتایج انتخابات شدند. با اوج‌گیری اعتراض‌های مردمی و بین‌المللی، بالاخره دو نامزد موافقت خود را با تشکیل کارگروه حل بحران و پرهیز از درگیری اعلام کردند و در نهایت با رأی دادگاه عالی این کشور، انتخابات دوباره برگزار و به پیروزی یوشچنکو انجامید (Koolae, 2012: 80-82). در مقابل روسیه نیز با توجه به اهمیت و نقش این کشور در بازیابی قدرت این کشور، در مقابل این انقلاب که ماهیتی غرب‌گرایانه داشت ساکت ننشست و تمام تلاش خود را کرد تا اثرات و پیامدهای این انقلاب را خنثی کند؛ به گونه‌ای که دیری نپایید که با حمایت روسیه، انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ جای خود را به انقلاب آبی ۲۰۰۶ داد. سیاست‌های اوکراین در قبال اتحادیه اروپا نیز همواره از منظر روسیه تهدیدکننده بوده است. یکی از اولویت‌های سیاست خارجی اوکراین پس از استقلال، پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. بر همین اساس، اوکراین در سال ۱۹۹۴ به یک توافقنامه همکاری مشارکت با اتحادیه اروپا رسید که از چند بخش سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... برخوردار بود و کاملاً اجرا شد. همچنین بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ بین دو طرف مذاکراتی صورت گرفت که بر اساس آن اتحادیه اروپا موافقت مشروط خود را برای

1. Yanukovich

2. Viktor Yushchenko

3. Javier Solana

تأسیس منطقه تجاری آزاد با اوکراین اعلام کرده بود. اوکراین در هفتم مه ۲۰۰۹ نیز برنامه ابتکار مشارکت شرقی را با سران اتحادیه اروپا باهدف پیوند سیاسی و همگرایی بیشتر اقتصادی بین اتحادیه اروپا و کشورهای شریک امضا کرد که به دلیل اهداف ضد روسی آن حساسیت‌های زیادی را در روسیه برانگیخت (Michalski, 2009: 8).

اقدامی که باعث شد تا آستانه صبر روسیه به آخر برسد در سال ۲۰۱۳ رخ داد و آن توافق یانوکوویچ با مقامات اتحادیه اروپا بر اساس توافقنامه بیست و پنجم فوریه ۲۰۱۳ بروکسل جهت امضا نهایی قرارداد تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و اوکراین در نوامبر ۲۰۱۳ بود. در این توافقنامه اتحادیه اروپا برای اینکه موافقت خود را با تأسیس منطقه آزاد تجاری اعلام کنند خواستار اصلاحاتی در سیستم مالی، انتخاباتی و قضایی اوکراین و همچنین خواستار گسترش همگرایی و وارد کردن این کشور در مسائل خارجی و امنیتی این اتحادیه شده بود (EU-Ukraine Association Agreement, 2014: 1-7). مفادی که در حقیقت زمینه را برای عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا فراهم می‌کرد. بنابراین روسیه برای جلوگیری از این اتفاق، یانوکوویچ را تحت فشار قرار داد تا برخلاف خواست اکثریت جامعه اوکراین که خواستار امضا این توافقنامه بودند، از امضا آن خودداری کند. امتناعی که باعث شروع بحران ۲۰۱۴ و با برپایی تظاهرات و اعتصابات، گسترش یافت و در نهایت به خلع یانوکوویچ و روی کار آمدن الکساندر تورچینف^۱ انجامید. تورچینف فردی غرب‌گرا و ضد روس بود و پس از رسیدن به سمت ریاست جمهوری، فوراً تمایل خود را برای امضای توافقنامه مذکور نشان داد (Fathi and Mossanejad, 2020: 102-103). اقدامی که برای روسیه به هیچ‌عنوان قابل قبول نبود و با واکنش شدید روسیه در جهت جلوگیری از این اتفاق از طریق بی‌ثبات نمودن اوکراین و ضمیمه کردن شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه مواجه شد.

۶. تجزیه و تحلیل

در این پژوهش جهت تبیین و تحلیل علل اهمیت اوکراین و نقش آن در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی بهره گرفته شد. بر اساس گزاره‌های این نظریه،

قدرت‌های بزرگ به دلیل ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی، عدم اطمینان در مورد نیابت همدیگر، حفظ بقا و عقلانی بودن اساساً رقیب و انگیزه‌های تهاجم‌آمیز در قبال یکدیگر دارند و همواره سعی می‌کنند جهت حفظ امنیت و بقا خود، با حداکثر سازی قدرت به جایگاه هژمون دست یابند. زمانی هم که تبدیل به هژمون شدند از هژمون شدن قدرت‌های دیگر جلوگیری و از این طریق به گسترش و تثبیت هژمونی خود کمک نمایند.

با توجه به این گزاره‌ها، از یک سو به علل اهمیت اوکراین در ابعاد مختلف هویتی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و اقتصادی برای روسیه و نقش این اهمیت در جهت بازیابی قدرت از دست داده این کشور پرداخته شد و استدلال شد که روسیه برای دستیابی به این هدف، همواره از زمان فروپاشی شوروی سعی کرده است تا ضمن آنکه از مزیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و اقلیت‌های روس تبار منطقه خارج نزدیک بهره ببرد، همچنین از عضویت جمهوری‌های این منطقه در نهادهای غربی نیز جلوگیری کند. در همین راستا، اوکراین به‌عنوان یکی از جمهوری‌های خارج نزدیک، ضمن آنکه می‌تواند روسیه را به بهترین وجه با توجه به اشتراکات تاریخی، نژادی، زبانی و مذهبی با روسیه و اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و اقتصادی خود به این هدف نزدیک سازد، همچنین این قابلیت را دارد که با عضویت در نهادهای غربی باعث تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی، ضربه به اقتصاد، توان نظامی، هویت ملی و به خطر انداختن اهرم انرژی روسیه در برابر غرب شود و بازیابی قدرت این کشور را با مشکل و تقریباً غیرممکن سازد. از این رو، مسکو با درک این اهمیت همواره از زمان استقلال اوکراین کوشیده است تا ضمن آنکه از قابلیت‌های اوکراین در راستای هدف راهبردی خود استفاده نماید، همچنین به هر طریق ممکن از هرگونه حرکت این کشور به سوی غرب ممانعت نماید.

از سوی دیگر، علل اهمیت اوکراین در ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و اقتصادی برای غرب مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که غرب با توجه به این ویژگی‌های اوکراین به این درک رسیده است که این کشور این قابلیت را دارد تا از قدرت‌یابی مجدد روسیه جلوگیری نماید و در همین راستا، تمام تلاش خود را کرده است تا از طرق مختلف نظیر سازمان‌دهی و حمایت از انقلاب نارنجی، برنامه ابتکار شرقی اتحادیه اروپا و ترغیب این کشور در عضویت در

نهادهای غربی، اوکراین را از زیر نفوذ روسیه خارج و در جبهه خود قرار دهد تا از این طریق مانع از رسیدن روسیه به هدف راهبردی خود شود و همچنین از شکل‌گیری یک رقیب برای هژمونی آمریکا نیز جلوگیری نماید.

همچنین در این پژوهش با بررسی سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین نشان داده شد که سیاست‌های اوکراین در جهت نزدیکی به غرب و تلاش در جهت عضویت در نهادهای غربی بدون توجه به دغدغه‌های امنیتی روسیه، ضمن آنکه کمک فراوانی به غرب کرده تا به هدف راهبردی خود نزدیک‌تر شود، همچنین باعث شده تا این کشور همواره پس از استقلال، شاهد بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی مانند حوادث انقلاب نارنجی ۲۰۰۴، انقلاب آبی ۲۰۰۶ و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ باشد.

بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش باید عنوان داشت که اهمیت اوکراین در ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، اقتصادی و هویتی برای اهداف کلان و متعارض روسیه و غرب و همچنین سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین بدون توجه به دغدغه‌های امنیتی روسیه، دو عاملی بوده‌اند که بیشترین نقش را در رقابت و تقابل غرب و روسیه و شکل‌گیری تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی مختلف در اوکراین از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ تاکنون داشته‌اند. البته باید به این مسئله نیز توجه داشت که در کنار این دو عامل، عوامل داخلی نظیر شکاف هویتی - قومیتی، فساد و مشکلات عدیده اقتصادی، رقابت‌های مخرب سیاسی، قطب‌بندی ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه، محدودیت‌های سیاسی - مدنی و عدم توازن در زمینه رابطه با غرب و روسیه نیز از جمله عواملی بوده‌اند که زمینه را بستر را برای دخالت روسیه و غرب و بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی در اوکراین فراهم آورده‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

اوکراین به دلیل موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک خود، همواره در طول تاریخ در معرض رقابت و تقابل قدرت‌های بزرگ قرار داشته و هیچ‌گاه نتوانسته به‌طور مستقل سرنوشت خود را تعیین کند. این کشور در قرن ۱۴ و ۱۶ میلادی به صحنه رقابت لهستان و لیتوانی تبدیل و بین آن‌ها تقسیم شد. سپس در قرن ۱۷ به دو منطقه نفوذ میان روسیه و مشترک‌المنافع لهستان

و لیتوانی تبدیل شد که تا پایان قرن ۱۸ که اتریش جای لهستان را در مناطق غربی اوکراین گرفت ادامه یافت. سیطره‌ای که تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت. با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی و به عضویت درآمدن اوکراین در این اتحاد، این کشور بار دیگر به عرصه نفوذ شوروی از یکسو و لهستان از سوی دیگر تبدیل شد. با شروع جنگ جهانی دوم، اوکراین نیز از آتش آن در امان نماند و توسط نازی‌ها اشغال و ویران شد. در دوران جنگ سرد نیز به دلیل عضویت در بلوک شرق در مقابل بلوک غرب قرار گرفته بود. با فروپاشی شوروی بالاخره اوکراین استقلال خود را به دست آورد؛ اما به دلیل موقعیت و اهمیت ویژه‌ای که برای اهداف راهبردی متعارض روسیه و غرب داشت، از آن زمان تاکنون همواره صحنه رقابت و تقابل غرب و روسیه و شاهد بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی مختلف بوده است. بر اساس گزاره‌های روبکرد واقع‌گرایی تهاجمی، هدف نهایی قدرتهای بزرگ رسیدن به جایگاه هژمون است و سعی می‌کنند به این هدف از دو طریق حداکثر سازی قدرت و جلوگیری از قدرت‌یابی دول رقیب دست یابند. بر همین اساس، هدف کلان و راهبردی روسیه از زمان فروپاشی شوروی، بازگشت به عظمت دوران شوروی و بازیابی قدرت از دست داده بوده است و برای دستیابی به این هدف سعی کرده است تا از مزیت‌های جمهوری‌های واقع در منطقه خارج نزدیک بهره‌برد. همان‌طور که مورد بررسی قرار گرفت، اوکراین یکی از این جمهوری‌ها است که می‌تواند روسیه را به بهترین وجه با توجه به ویژگی‌های هویتی، ژئوپلیتیکی، ژئوآکونومیکی و اقتصادی خود به این هدف نزدیک سازد. از طرف دیگر، درک این قابلیت توسط غرب باعث شده است تا غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به‌عنوان هژمون فعلی برای جلوگیری از قدرت‌یابی مجدد روسیه و رسیدن به جایگاه هژمون و رقیبی برای این کشور، تمام تلاش خود را بکند تا این کشور را از زیر نفوذ روسیه خارج و در جبهه خود قرار دهد تا از این طریق مانع از رسیدن روسیه به هدف راهبردی خود شود. در این راستا، سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین از زمان فروپاشی شوروی و استقلال این کشور نیز کمک فراوانی به غرب کرده تا به این هدف نزدیک‌تر شود. بنابراین این دو عامل در کنار عوامل داخلی از جمله عواملی بوده‌اند که زمینه و بستر را برای دخالت روسیه

و غرب و بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی - امنیتی مختلف در اوکراین مانند حوادث انقلاب نارنجی ۲۰۰۴، انقلاب آبی ۲۰۰۶ و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ فراهم آورده‌اند.

۸. قدردانی

در پایان نگارندگان بر خود فرض می‌دانند از دانشگاه اصفهان که زمینه و بستر لازم را برای نگارش این پژوهش مهیا کرد و نیز از داوران محترم مقاله که با داوری دقیق، زمینه ارتقاء کیفی مقاله را فراهم آوردند و همچنین از گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، تشکر و قدردانی نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Amelin, N; Prokip, A; Umland, A. (2020). The Forgotten Potential of Ukraine's Energy Reserves, Harvard International Review, Retrieved from: <https://hir.harvard.edu/ukraine-energy-reserves/>, (Accessed on: 12/29/2021).
2. Azami, H; Nazari, M; Hosseini, S. (2019). The Geopolitical Competition between Russia and U.S. in Ukraine (2004- 2017), The Iranian Research Letter of International Politics, Vol. 6, No. 2, pp. 21-52, (DOI: 10.22067/JIPR.V6I2.59081). **[In Persian]**
3. Bäuml, G. (2016). Russland Verstehen? Eine Theoriegeleitete Analyse der Krim-Annexion Durch Russland, Munchen, Maximilians Universitat Munchen, (Doctoral dissertation).
4. Borhani, Z; Mosaffa, N; Asgar khani, A. (2016). The Opposition of Russia to the Development of NATO to East and the Separatist Movement at the Eastern Ukraine, Master Thesis in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. **[In Persian]**
5. Brzezinski, Z. (1997). The Grand Chessboard, New York: Basic Books.
6. Council of the Eropean Union (2009). Joint Declaration of the Prague Eastern Partnership Summit, Retrieved from: [.https://www.consilium.europa.eu/media/31797/2009_eap_declaration.pdf](https://www.consilium.europa.eu/media/31797/2009_eap_declaration.pdf), (Accessed on: 12/4/2021).
7. Dehghani Firouzabadi, S. (2013). Foreign Policy of Islamic Republic of Iran, Fifth Edition, Tehran, Samt Publication. **[In Persian]**
8. Dorj, H; Tabatabai, S. (2019). Ukraine's Geopolitical Role in the New American and Russian Confrontation, Geopolitics Quarterly, Vol. 15, No. 54, pp. 1-30, (DOI: 20.1001.1.17354331.1398.15.54.1.4). **[In Persian]**
9. Ebrahimi, S; Babri, N. (2017). Russia and NATO: From Strategic Partnership to Strategic Competition, Central Asia and the Caucasus Journal, Vol. 22, No. 96, pp. 1-24. **[In Persian]**
10. Etesami, S; Aghae, S; Koolae, E. (2018). The Origins, Impacts, and Consequences of the Confrontation of the European Union, the Uniteat States and Russia in the UKruine Crisis (2014), Dissertation for Master Degree in European Studies in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. **[In Persian]**
11. Etesami, S; Karami, Y; Rezaeivand, M. (2019). Ukraine's geopolitics and the interests of the great powers, Journal of Humanities and Islamic Strategic Studies, Second Year, No. 18, pp. 1-22. **[In Persian]**
12. Euro News. (2022). What is the process of joining nato and how lucky is Ukraine to join the alliance, Retrieved from: <https://per.euronews.com/2022/02/18/what-is-the-process-of-joining-nato-and-how-lucky-is-ukraine-to-join-the-alliance>, (Accessed on: 3/15/2022).

13. European Commission. (2020). EU trade statistics (excluding United Kingdom), Retrieved from: <https://trade.ec.europa.eu/access-to-markets/en/statistics>, (Accessed on: 1/12/2022).
14. EU-Ukraine Association Agreement 2014 (2014). Retrieved from: https://eeas.europa.eu/delegations/ukraine/10420/eu-ukraine-association-agreement_en, (Accessed on: 11/16/2021).
15. Fathi, M; Mossanejad, M. (2020). A Comparative Study of the Russian Federation's Perception and Model of Crisis Management in Syria and Ukraine Based on the Cuban Crisis Model, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 16, No. 59, pp. 83-118, (DOI: 20.1001.1.17354331.1399.16.59.4.4). **[In Persian]**
16. Fazeli, S; Pirouz, B; Karami, J. (2016). Ukrainian geopolitics and Russian foreign policy, Master Thesis in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. **[In Persian]**
17. Gazprom Export. (2019). Delivery Statistics, Retrieved from: <http://www.gazpromexport.ru/en/statistics/>, (Accessed on: 12/25/2021).
18. Goodarzi, M; Derakhshandeh Lazarjani, M. (2016). Ukraine Crisis within the General Security of the Black Sea Domain, *Quarterly Journal of Political Studies*, Vol. 8, No. 29, pp. 53-74. **[In Persian]**
19. Graaf, V; Colgan, J. (2017). Russian gas games or well oiled conflict? Energy security and the 2014 Ukraine crisis, *Energy Research & Social Science*, Vol. 24, No.1, pp. 59-64, (DOI: 10.1016/j.erss.2016.12.018).
20. Herd, G. (2005). Russia and the Near Abroad, in *Issues in International Relations*, London and New York, Routledge.
21. Irkhin, A; Moskalenko, O. (2020). Russia's Foreign Policy in the Great Mediterranean: Prospects and Constraints, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 15, No. 56, pp. 110-121, (DOI: 20.1001.1.17354331.1398.15.56.5.2).
22. Islam Times (2017). Rereading the causes of the collapse of the Soviet Union, Retrieved from: <https://www.islamtimes.org/fa/article/661337>, (Accessed on: 1/2/2022). **[In Persian]**
23. Karamzadi, M; Khansari Fard, F. (2015). The Study of Ukraine-Russia Relations: Roots of the 2014 Crisis, *Central Asia and the Caucasus Journal*, Vol. 20, No. 86, pp. 135-159. **[In Persian]**
24. Keypour, J; Hendla, I. (2019). The Annexation of Crimea: A Realist Look from the Energy Resources Perspective, *Baltic Journal of European Studies*, Vol. 9, No. 3, pp. 148-165, (DOI: 10.1515/bjes-2019-0027).
25. Kissinger, H (2014). To settle the Ukraine crisis, Start at the End, *The Washington Post*, Retrieved from: <http://www.washingtonpost.com/opinions/henry-kissinger-to-settle-the-ukrainecrisis-start-at-the-end/2014/03/05/> 46da d8 68-a496-11e3- 8466-d34c451760b9_story .html, (Accessed on: 11/ 10/ 2021).

26. Kofman, M; Migacheva, K; Nichiporuk, B; Radin, A; Oberholtzer, J. (2017). Lessons from Russia's Operations in Crimea and Eastern Ukraine, California, Research Report (Rand Corporation).
27. Koolae, E. (2012). Myths of the Color Revolutions, Second Edition, Tehran, Mizan Publication. **[In Persian]**
28. Korpela, J. (2001). Prince, Saint, and Apostle: Prince Vladimir Syjatoslavic of Kiev, His Posthumous Life, and the Religious Legitimization of the Russian Great Power, Michigan, Otto Harrassowitz Verlag.
29. Koval, V; Sribna, Y; Gaska, K. (2019). Energy Cooperation Ukraine-Poland to Strengthen Energy Security, In E3S Web of Conferences (EDP Sciences), Vol. 132, pp. 1-7, (DOI: 10.1051/e3sconf/201913201009).
30. Lashgari, E. (2011). Geopolitical explanation of the competition of world powers in Central Eurasia, Institute of Iran and Eurasia Studies, Vol. 5, No. 6, pp. 103-124. **[In Persian]**
31. Levchuk, K. (2013). Eurasiansim: A Russian Monroe Doctrine. Budapest: Central European University. (Master dissertation).
32. Makarychev, A. (2018). Beyond geopolitics: Russian soft power, conservatism and biopolitics, Russian Politics, Vol. 3, No. 1, pp. 135-150.
33. Mearsheimer, J. (2015). The Tragedy of Great Powers Politics, Translated by: Chegnizadeh, Fourth Edition, Tehran, Political and International Studies. **[In Persian]**
34. Michalski, A. (2009). The eastern partnership: Time for an eastern policy of the EU?, European Policy Analysis, No.14, pp. 1-11.
35. Mikulska, A; Kosinski, E. (2020). What's Next for Natural Gas in Ukraine?, Rice University's Baker Institute for Public Policy, No. 13, pp. 1-20.
36. Ministry of Infrastructure of Ukraine. (2019). A look at Transit Transport in Ukraine, Retrieved from: <https://mtu.gov.ua/files/A%20look%20at%20Transit%20Transport%20in%20Ukraine-Draft-Final-Report.pdf>, (Accessed on: 12/ 15/ 2021).
37. Mofteh, A. (2022). Why Russia wants Ukraine?, Iranian Diplomacy, Retrieved from: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2009019>, (Accessed on: 1/11/2022). **[In Persian]**
38. Mousaei, A; Yazdani, E. (2021). The Role of Immaterial Factors in the Annexation of the Crimea Peninsula to the Russian Federation, Political and International Approaches, Vol. 12, No. 4, pp. 153-180, (DOI: 10.29252/PIAJ.2021.210729.0). **[In Persian]**
39. Recknagel, C. (2014). Complex Ties: Russia's Armed Forces Depend on Ukraine's Military Industry, Retrieved from: <https://www.rferl.org/a/russia-ukraine-military-equipment/25312911.html>, (Accessed on: 12/1/2021).

40. Richter, W. (2014). Die Ukraine-krise: die dimension der paneuropäischen sicherheitskooperation, Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP), No. 23, pp. 1-8.
41. Simbar, R; Rezapour, D. (2019). Russia's Soft Power in Near Abroad: Instruments and Challenges, Central Asia and the Caucasus Journal, Vol. 24, No. 10, pp. 62-91. **[In Persian]**
42. Snyder, J. (1991). Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition, Ithaca, New York, Cornell University Press, (DOI: 10.2307/1964216).
43. State Statistics Service of Ukraine. (2018). Volume of Russian investments, Retrieved from: <https://ukrstat.org/en>, (Accessed on: 11/28/2021).
44. Steemit. (2017). The Black Sea, Retrieved from: <https://steemit.com/russia/@swansmere/the-black-sea>, (Accessed on: 12/7/2021).
45. The Conversation. (2022). Why many Ukrainians speak Russian as their first language, Retrieved from: <https://theconversation.com/why-many-ukrainians-speak-russian-as-their-first-language-190856>, (Accessed on: 3/14/2023).
46. The European Union: Ongoing Challenges and Future Prospects. (2018). Congressional Research Service, Retrieved from: <https://fas.org/sgp/crs/row/R44249.pdf>, (Accessed on: 11/23/2021).
47. Torabi, Q; Kiani, F. (2014). Clarification of Russian Foreign Policy in Regards to the Crisis in Ukraine in Terms of Defensive Structural Realism, Central Asia and the Caucasus Journal, Vol. 20, No. 87, pp. 1-32. **[In Persian]**
48. UN. Comtrade. International Trade Statistics Database. (2020). Volume of foreign trade between Russia and Ukraine, Retrieved from: <https://comtrade.un.org/data/>, (Accessed on: 12/20/2021).
49. Vosoughi, S; Kheiri, M. (2016). Ukraine: The Arena of Confrontation between the West and Russia, Central Asia and the Caucasus Journal, Vol. 22, No. 94, pp. 133-158. **[In Persian]**
50. Zargar, A; Sayad, S. (2016). The Importance of Central Eurasia in Geopolitical Competition among Great Powers, Political Science Quarterly, Vol. 12, No. 36, pp. 169-196. **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

